

## Child Custody Agreement in the Canadian and Iranian Law

 **Ahmad Mortazi**

Associate Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, University of Tabriz, Iran  
a.mortazi@tabrizu.ac.ir

 **Somayyeh Moghaddasi**

Holder of LLM, Jurisprudence and Islamic Law Field, University of Tabriz, Iran  
smoghadas5@gmail.com

Received: 2025-05-12

Accepted: 2025-08-24

### Abstract

Custody, meaning the maintenance, care, and physical, mental, and emotional upbringing of a child, is one of the most fundamental issues in family law, in which the best interests of the child are considered the most important decision-making criteria. In addition to emotional and human aspects, this legal institution faces numerous legal complexities; especially in cases where parents separate and it is necessary to determine the child's custody status specifically. In such circumstances, parents sometimes try to regulate the method of child care and his upbringing by mutual agreement through a custody agreement. Although this type of agreement is based on the principle of voluntarism in private law, it is accompanied by limitations in practice. Considerations such as compliance


with mandatory laws, good morals, public order, and above all, ensuring the best interests of the child, cause the application of this principle in the field of custody to face challenges. In Iranian law and Imami jurisprudence, despite the recognition of the principle of contractual freedom, the priority of the child's interests is emphasized and parental agreements cannot be contrary to this principle. In Canadian law, although parental agreement is respected, the final supervision of the courts is always reserved to guarantee the interests of the child. This article, with a comparative approach, examines the position of the principle of voluntarism in custody agreements in the Iranian and Canadian legal systems, while analyzing the theoretical foundations, pays attention to the limitations and effects of this principle on the validity and implementation of parental agreements.

**Keywords:** Custody agreement, supremacy of will, agreement on custody, mandatory laws, Iranian law, Canadian law


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## توافق پذیری حضانت کودک در حقوق کانادا و ایران

احمد مرتاضی 

دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه تبریز، ایران  
a.mortazi@tabrizu.ac.ir

سمیه مقدسی 

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد رشته فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه تبریز، ایران (نویسنده مسئول)  
smoghadasi5@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۲

### چکیده

حضانت به معنای نگهداری، مراقبت و تربیت جسمی، روحی و عاطفی کودک، یکی از اساسی‌ترین مسائل در حقوق خانواده است که در آن، منافع عالی‌ه کودک به‌عنوان مهم‌ترین ملاک تصمیم‌گیری مطرح می‌شود. این نهاد حقوقی، علاوه بر جنبه‌های عاطفی و انسانی، با پیچیدگی‌های حقوقی متعددی روبه‌رو است؛ به‌ویژه در مواردی که والدین از یکدیگر جدا می‌شوند و لازم است وضعیت حضانت کودک به‌طور مشخص تعیین گردد. در چنین شرایطی، والدین گاه تلاش می‌کنند از طریق قرارداد حضانت، شیوه نگهداری و تربیت کودک را با توافق یکدیگر تنظیم کنند. این نوع توافق، گرچه بر اصل حاکمیت اراده در حقوق خصوصی استوار است، اما در عمل با محدودیت‌هایی همراه است. ملاحظاتی چون رعایت قوانین آمره، اخلاق حسنه، نظم عمومی و بیش از همه، تأمین مصلحت کودک، سبب می‌شود اعمال این اصل در حوزه حضانت با چالش‌هایی مواجه

فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۸ | شماره ۲۹ | زمستان ۱۴۰۴

(مقاله پژوهشی)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/law.2025.2060477.1648

گردد. در حقوق ایران و فقه امامیه با وجود شناسایی اصل آزادی قراردادی، بر تقدم منافع کودک تأکید شده و توافقات والدین نمی‌توانند مغایر با این اصل باشند. در حقوق کانادا نیز با اینکه به توافق والدین احترام گذاشته می‌شود، ولی همواره نظارت نهایی دادگاه‌ها برای تضمین منافع کودک محفوظ است. این مقاله با رویکردی تطبیقی، به بررسی جایگاه اصل حاکمیت اراده در قراردادهای حضانت در نظام‌های حقوقی ایران و کانادا می‌پردازد و ضمن تحلیل مبانی نظری، به محدودیت‌ها و آثار این اصل بر اعتبار و اجرای توافقات والدین توجه می‌نماید.

**کلیدواژه‌ها:** قرارداد حضانت، حاکمیت اراده، توافق بر حضانت، قوانین آمره، حقوق ایران، حقوق کانادا.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## مقدمه

حضانت یکی از نهادهای بنیادین حقوق خانواده است که به نگهداری جسمی، تربیت روانی، رشد عاطفی و تأمین نیازهای آموزشی کودک اختصاص دارد. این نهاد تنها به وظایف مراقبتی محدود نمی‌شود، بلکه در بردارنده تعهداتی اخلاقی و اجتماعی است که مستقیماً بر شخصیت کودک اثرگذارند. اهمیت آن تا بدان جاست که نهادهای مختلف حقوقی، فرهنگی و روان‌شناختی به صورت هم‌زمان به آن توجه دارند (کرم‌دار، ۱۴۰۳: ۳). در حالت عادی، حضانت فرزندان به طور طبیعی بر عهده والدین است. اما در مواردی مانند طلاق یا جدایی، مسئله تعیین سرپرستی کودک پیچیده و حساس می‌شود. در این وضعیت، حفظ ثبات روانی کودک و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی او به مسئله‌ای حیاتی تبدیل می‌گردد. چالش‌هایی مانند صلاحیت والدین و نحوه مداخله نهادهای قضایی در این فرایند، نیازمند بررسی دقیق هستند (بمانیان و حسین میرزایی، ۱۴۰۳: ۲۹).

اصل حاکمیت اراده، از اصول محوری در حقوق خصوصی است که بیانگر آزادی اشخاص در تصمیم‌گیری نسبت به امور خود در چهارچوب قانون می‌باشد. این اصل، زیربنای بسیاری از قراردادهای مدنی است. با این حال، در حوزه حقوق خانواده، به‌ویژه در موضوع حضانت کودک، نمی‌توان این اصل را به طور مطلق اجرا کرد؛ زیرا با منافع افراد غیر بالغ در تضاد قرار می‌گیرد (قاسم‌نژاد و حلاجی، ۱۴۰۳: ۲).

در این میان، پرسشی اساسی مطرح می‌شود: آیا والدین می‌توانند با توافق قراردادی، حضانت فرزند را میان خود تقسیم کنند؟ اگر پاسخ مثبت است، حدود این اختیار تا کجاست؟ پاسخ به این پرسش در نظام‌های حقوقی گوناگون، از جمله ایران و کانادا، بسته به مبانی نظری آن‌ها متفاوت خواهد بود. شناخت این تفاوت‌ها به تحلیل تطبیقی ضرورت می‌بخشد.

در نظام حقوقی ایران، ماده ۱۰ قانون مدنی اصل آزادی قراردادها را مشروط به رعایت قانون دانسته است. ماده ۹۷۵ نیز اجرای قراردادهای مخالف نظم عمومی یا اخلاق حسنه را ممنوع کرده است. از این رو، توافق والدین درباره حضانت در صورتی معتبر است که با منافع کودک تعارض نداشته باشد. چنانچه این توافق باعث خدشه به سلامت کودک شود، فاقد ارزش حقوقی خواهد بود (شیشه‌بر و میرحسینی، ۱۴۰۳: ۱۱).

فقه امامیه نیز با پذیرش اصل تسلط افراد بر اموال و حقوق خود، در حوزه کودکان، آن را به دلایل شرعی محدود می‌سازد. والدین نسبت به فرزندان دارای ولایت هستند نه سلطه مطلق. بنابراین، اراده آنان باید در چارچوب مصالح کودک اعمال شود. از دیدگاه فقهی، حضانت نوعی امانت الهی است که رعایت مصلحت طفل شرط اساسی اجرای آن به‌شمار می‌رود (جمال سیسی، ۱۴۰۳: ۴۵).

ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی ایران نیز حضانت را هم حق و هم تکلیف والدین می‌داند. این تعبیر دوگانه بدان معناست که والدین حق ندارند تنها با تکیه بر رضایت متقابل، حضانت را به شکلی تنظیم کنند که مغایر با منافع کودک باشد. اراده ایشان باید از سوی مرجع قضایی بررسی و در چارچوب مصالح کودک ارزیابی شود (سابقی، ۱۴۰۳: ۷۶).

در حقوق کانادا، توافق والدین در موضوع حضانت پذیرفته شده، ولی مشروط به رعایت اصل «منافع عالی‌ه کودک» است. این اصل که در قوانین استان‌هایی مانند Ontario و British Columbia تصریح شده، مبنای اصلی تصمیم‌گیری دادگاه‌ها در این زمینه است. اگرچه مشارکت والدین در تصمیم‌گیری ارزشمند است، اما صلاحیت نهایی با دادگاه است (Sheehy & Boyd, 2020: p.81).

مفهوم مصلحت کودک در نظام کانادا، ابعادی چندگانه دارد و با شرایط سنی، جنسیتی، اقتصادی و روانی کودک و والدین پیوند خورده است. این امر باعث می‌شود که اعتبار توافقی‌ها در طول زمان دستخوش تغییر گردد. به همین علت، امکان تجدیدنظر و بررسی مجدد مفاد توافقی‌های حضانت در هر دو نظام حقوقی پیش‌بینی شده است (Tustin, 2024: p.86).

یکی از ویژگی‌های متمایز قرارداد حضانت، تمایز آن از سایر قراردادهای مدنی است. این قرارداد ماهیتی انسانی و تربیتی دارد و صرفاً تابع اصول اقتصادی یا رضایت طرفین نیست. از این رو، نظارت نهادهای عمومی مانند دادگاه، مشاوران خانواده و سازمان‌های حمایتی در اعتباربخشی به آن، ضروری است (Axelson & Gentile, 2024: p.195).

حضانت کودک از جمله موضوعاتی است که در آن رسیدگی فوری اهمیت حیاتی دارد، زیرا کودک به دلیل فقدان توانایی در مراقبت از خود، نیازمند حمایت فوری قضایی و قانونی است. دادرسی فوری در دعاوی خانوادگی با هدف جلوگیری از بروز آسیب‌های روانی،

جسمی و اجتماعی به کودک طراحی شده است و می‌تواند از ایجاد صدمات جبران‌ناپذیر جلوگیری نماید. دستور موقت در این زمینه به‌عنوان یکی از ابزارهای حمایتی، تضمین می‌کند که حقوق کودک در اولویت قرار گیرد و خانواده ملزم به رعایت مصلحت عالی او باشند (کاظمی، ۱۴۰۲: ۱۴).

از سوی دیگر، قوانین مرتبط مانند ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی، شرایط خاصی از جمله ازدواج مجدد مادر را به‌عنوان مانعی در حضانت برشمرده است. این امر نشان می‌دهد که قانون‌گذار با در نظر گرفتن مصالح کودک، تلاش دارد تا تعادل بین حقوق والدین و نیازهای اساسی کودک برقرار گردد. بنابراین، توجه به نهاد دادرسی فوری در موضوع حضانت نه تنها پاسخی به یک نیاز حقوقی است، بلکه ضامن امنیت و سلامت روانی نسل آینده جامعه نیز محسوب می‌شود (کاظمی، همان: ۱۴۰۲).

با توجه به آنکه تفاوت‌های مبنایی میان حقوق ایران و کانادا در نگرش به قراردادهای حضانت، بررسی تطبیقی موضوع، ضرورتی دوچندان دارد. در حالی که در ایران، قواعد فقهی و آموزه‌های شریعت اسلامی نقش اصلی در تعیین ضوابط حضانت ایفا می‌کنند، در کانادا اصول حقوق بشر، رویکرد روان‌شناختی و نظام سکولار قضایی بر تصمیم‌گیری‌ها حاکمند. با این حال، پژوهش‌های پیشین بیشتر به بررسی داخلی نظام‌ها پرداخته و کمتر به مقایسه تفصیلی میان دو نظام با بنیان‌های مفهومی متفاوت توجه داشته‌اند (ظهرب‌زاده و اسدی کوه، ۱۴۰۱: ۳۱).

از این رو، این مقاله در پی آن است که با تحلیل تطبیقی اصل حاکمیت اراده در قراردادهای حضانت، حدود اعتبار توافق والدین را در دو نظام حقوقی ایران و کانادا بررسی کند. هدف از انجام این پژوهش، پاسخ به این پرسش است که در چه شرایطی توافق والدین معتبر خواهد بود و در چه مواردی نهادهای قضایی می‌توانند در آن مداخله کنند. امید است یافته‌های این پژوهش بتواند در بهبود رویه‌های قضایی، تدوین سیاست‌های حمایتی و ارتقای نگاه حقوقی به قراردادهای حضانت نقش مؤثری ایفا کند.

## ۱- ماهیت حضانت در حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران، حضانت مطابق ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، هم حق و هم تکلیف والدین شمرده می‌شود و از این منظر، نه یک امتیاز قابل واگذاری بلکه وظیفه‌ای الزام‌آور

محسوب می‌گردد. دیوان عالی کشور نیز تصریح کرده که چون حضانت تکلیف است، امکان اسقاط یا انتقال آن وجود ندارد و این مسئولیت از سوی والدین به دیگری واگذارشدنی نیست (ناصری‌پور، ۱۴۰۳: ۱۰۳). در عمل نیز اگر یکی از والدین، حضانت را در ازای پرداخت مالی یا بخشش مهریه به دیگری بسپارد، این توافق صرفاً نوعی نیابت در انجام وظیفه تلقی می‌شود، نه نقل و انتقال حق حضانت. ماده ۱۷ قانون حمایت از خانواده (مصوب ۱۳۹۱) چنین توافقی‌هایی را از حیث حقوقی معتبر می‌داند، اما این اعتبار نافذ الزام والدین به ایفای مسئولیت شخصی نیست (حسینی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۳: ۲). در مواردی که یکی از والدین از انجام وظیفه حضانت امتناع ورزد، طبق ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، طرف دیگر، قیم، بستگان کودک یا دادستان می‌توانند از دادگاه درخواست کنند تا والد خاطی را به انجام تکلیف ملزم نماید. در صورتی که الزام عملی نباشد یا موجب تأخیر شود، دادگاه مکلف است حضانت را به خرج والد ممتنع تأمین نماید (زارعی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳). بر اساس همین رویکرد، والدین نمی‌توانند در قبال نگهداری از فرزند، اجرتی مطالبه کنند، گرچه این امکان وجود دارد که شخصی را با نظارت خود به‌عنوان مباشر برای انجام امور حضانت تعیین کنند. مقنن از این طریق در پی آن است که از رهاشدگی کودکان جلوگیری کرده و پیوستگی مراقبتی و تربیتی آنان را تضمین نماید.

در کنار الزامات قانونی مربوط به حضانت، قابلیت توافق والدین نیز در نظام حقوقی ایران مورد پذیرش محدود قرار گرفته است؛ به شرطی که این توافق‌ها با «مصلحت طفل» منافات نداشته باشند. یکی از مصادیق رایج در رویه دادگاه‌ها، اعطای وکالت بلاعزل از سوی یکی از والدین (عموماً پدر) به والد دیگر (معمولاً مادر) جهت انجام امور حضانت است. این وکالت، به معنای واگذاری حق حضانت نیست، بلکه تفویض نیابت در اجرای تکلیف قانونی محسوب می‌شود. در رأی شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۹۰۰۴۴۷ (مورخ ۱۳۹۱)، دادگاه تصریح کرد: «وکالت در امر حضانت نافذ اصل مسئولیت پدر نبوده و مادامی که مصلحت طفل تأمین شود، قابلیت تأیید دارد». همچنین در برخی پرونده‌ها، مصالحه والدین در قالب بذل مهریه توسط زن در ازای اخذ حضانت فرزند مشاهده شده است. این مصالحه اگرچه در ظاهر جنبه قراردادی دارد، اما دادگاه‌ها آن را صرفاً قرینه‌ای برای سنجش تمایل و صلاحیت والدین تلقی کرده‌اند. نظریه مشورتی شماره ۵۹۵۲/۷ مورخ ۲۰/۰۷/۱۳۸۲ اداره حقوقی قوه قضائیه تأکید دارد که:

«توافق والدین در خصوص حضانت، قابل ترتیب اثر است، مشروط به اینکه مغایر مصلحت طفل نباشد و دادگاه صحت آن را احراز نماید».

در مواردی نیز مشاهده شده که دادگاه‌ها با استناد به بند ۳ ماده ۴ قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱)، تصمیمات حضانتی والدین را در قالب تفاهم‌نامه رسمی یا صورت‌جلسه دادگاهی معتبر دانسته‌اند، مشروط بر اینکه تخطی از نظم عمومی یا حقوق کودک صورت نگیرد. این رویه‌ها نشان می‌دهد که در حقوق ایران، توافق والدین در امر حضانت نه مطلقاً مردود است و نه کاملاً آزاد؛ بلکه تابع مصالح کودک و با نظارت قوه قضائیه است.

## ۲- ماهیت حضانت در حقوق کانادا

در نظام حقوقی کانادا، حضانت مفهومی گسترده و پیچیده دارد که ناظر بر مسئولیت قانونی والدین در قبال تمامی ابعاد زندگی کودک است. این مسئولیت از بدو تولد بر عهده والدین است و شامل تصمیم‌گیری در مورد آموزش، مذهب، مراقبت‌های درمانی و دیگر امور حیاتی فرزند می‌شود (Mackay et al. 2020: p.1786). برخلاف دیدگاه‌های مبتنی بر مالکیت یا سلطه، حضانت در حقوق کانادا تعهدی حقوقی، اخلاقی و اجتماعی است که والدین موظف‌اند در آن ایفای نقش کنند. واگذاری یا انتقال آن به دیگران، تنها با مداخله مستقیم دادگاه ممکن است و دادگاه‌ها نیز تنها در شرایطی خاص، بر اساس اصل منافع عالی کودک، به این موضوع ورود می‌کنند (Sheehy & Boyd, 2020: p.83).

حقوق کانادا تصریح دارد که والدین حتی پس از طلاق، همچنان مسئول حضانت و تربیت فرزندان خود باقی می‌مانند. طلاق به‌تنهایی دلیلی برای سلب حضانت نیست، مگر آنکه یکی از والدین صلاحیت خود را در انجام وظایف فرزندپروری از دست داده باشد. قانون‌گذار در ماده ۷ قانون طلاق مصوب ۱۹۷۵ م. تصریح می‌کند که تصمیم‌گیری در خصوص حضانت تنها در صورتی ممکن است که دادگاه با در نظر گرفتن منافع کودک و بررسی مستقیم رفتار والدین، به این نتیجه برسد که تغییر حضانت ضرورت دارد (Mackay et al. 2020: p.1787). در این چارچوب، رفتار گذشته والدین فقط زمانی مورد توجه قرار می‌گیرد که مستقیماً بر توانایی آنان در ایفای نقش والدینی اثرگذار باشد.

از منظر مالی نیز، والدینی که حضانت فیزیکی کودک را بر عهده ندارند، موظف به پرداخت نفقه هستند. این وظیفه حتی در مورد فرزندان که حاصل روابط خارج از ازدواج یا

ازدواج‌های رسمی نیستند نیز صادق است. مطابق با ماده ۷ قانون طلاق ۱۹۷۵ م.، دادگاه‌ها می‌توانند بر اساس درخواست یکی از والدین، حکم به پرداخت هزینه‌های نگهداری کودک صادر نمایند، بی‌آنکه وضعیت ازدواج والدین مانع چنین حکمی شود (Sheehy & Boyd, 2020: p.84). به علاوه، قانون به گونه‌ای تنظیم شده است که مسئولیت مالی والدین را حتی نسبت به کودکانی که از روابط قبلی یا ازدواج‌های پیشین یکی از آن‌ها به دنیا آمده‌اند نیز شامل می‌شود (Archer-Kuhn, 2019: p.201). این قوانین با در نظر گرفتن تنوع ساختارهای خانوادگی در جامعه معاصر، تلاش دارند تا هیچ کودکی از حمایت قانونی و مالی محروم نماند.

نکته مهم دیگر در حقوق کانادا، مفهوم «بچه خانواده» است که تعریف گسترده‌ای دارد و شامل فرزندان مشترک، فرزندان همسر از ازدواج پیشین، و کودکانی می‌شود که در خانواده‌های پیچیده زندگی می‌کنند. بر اساس قانون استحباب و علت زناشویی ۱۹۷۸ م.، فردی که با شخصی دارای فرزند از رابطه‌ای قبلی ازدواج می‌کند، به طور قانونی ملزم به حمایت از آن کودک خواهد بود (Archer-Kuhn, 2019: p.201). این قوانین در مواجهه با تغییرات فرهنگی و ساختاری خانواده‌ها، به روزرسانی شده و بر حمایت برابر از همه کودکان تأکید دارند. هدف از این مقررات، ایجاد ساختاری حمایتی است که در آن، هیچ کودکی صرف نظر از پیشینه خانوادگی‌اش، از حقوق قانونی و حمایت والدین محروم نماند (Stark et al., 2019: p.46).

قرارداد حضانت در حقوق خانواده، به‌ویژه پس از طلاق یا جدایی والدین، یکی از موضوعات حساس و بحث‌برانگیز به شمار می‌آید. هرچند این قرارداد از منظر حقوق خصوصی، شکلی از توافق ارادی میان والدین تلقی می‌شود، اما در عمل، آزادی اراده در آن مطلق نیست و با موانع قانونی و اخلاقی متعددی روبه‌رواست. عواملی همچون قواعد آمره، اصول نظم عمومی، اخلاق حسنه و به‌ویژه مصلحت عالی‌ه کودک، محدودکننده‌های اصلی آزادی اراده در این حوزه به شمار می‌آیند. این ملاحظات با هدف حمایت از سلامت روانی و جسمی کودک، پیشگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی، و تضمین مصالح اجتماعی گسترده‌تر اعمال می‌شوند (کرم‌دار، ۱۴۰۳: ۶).

در نظام حقوقی ایران، اصل آزادی قراردادها مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی پذیرفته شده، اما به شرط عدم مخالفت با قانون، نظم عمومی و اخلاق حسنه. بنابراین، توافق والدین درباره حضانت، هرچند مجاز است، ولی باید منطبق بر مصالح کودک باشد. دادگاه‌ها

مکلفند این توافقات را با دقت بررسی و در صورت لزوم آن‌ها را اصلاح یا رد کنند. در مواردی که توافق منجر به تضعیف سلامت روانی، جسمی یا تربیتی کودک گردد، اعتبار آن به طور کامل از بین می‌رود. همچنین فقه امامیه، که پایه‌گذار بسیاری از احکام خانواده در ایران است، حضانت را نه صرفاً یک حق، بلکه تکلیف والدین دانسته و اراده آنان را مقید به مصالح کودک می‌داند (شیشه‌بر و میرحسینی، ۱۴۰۳: ۱۲؛ جمال سیسی، ۱۴۰۳: ۴۷). در حقوق کانادا نیز، گرچه به اراده والدین در تعیین نحوه حضانت احترام گذاشته می‌شود، اما این اراده باید با اصل بنیادین «مصلحت کودک» منطبق باشد. این اصل در قوانین مختلف مانند *Family Law Act* و *Children's Law Reform Act*، به‌ویژه در استان‌های انتاریو و بریتیش کلمبیا، تصریح شده و دادگاه‌ها را ملزم کرده که توافق‌های والدین را تنها در صورت تأمین منافع عالی‌ه کودک تأیید کنند. اگر توافق والدین با این منافع در تضاد باشد، دادگاه حق دارد آن را اصلاح، تعلیق یا حتی ابطال کند. تصمیمات قضایی در این کشور کاملاً متأثر از سن، وضعیت سلامت، نیازهای عاطفی و شرایط اجتماعی کودک اتخاذ می‌شود و حتی رضایت کامل والدین نیز نمی‌تواند جایگزین این معیارهای تخصصی گردد (Stark et al., 2019: p.46).

ملاحظات اخلاقی نیز در هر دو نظام حقوقی ایران و کانادا نقش بسزایی در محدود کردن آزادی اراده دارند. در هر دو کشور، توافقی که منجر به قطع ارتباط کودک با یکی از والدین، یا تحمیل شرایط آسیب‌زا بر وضعیت روانی و عاطفی او شود، غیرقابل قبول تلقی می‌گردد. حتی اگر چنین توافقی با رضایت کامل والدین صورت گرفته باشد، دادگاه‌ها به دلیل تعارض آن با اصول بنیادین حمایت از کودک، در تأیید آن تردید خواهند کرد. به همین جهت، نظارت قضایی در هر دو نظام به‌گونه‌ای طراحی شده است که از تضعیف حقوق کودک در پوشش ظاهری آزادی قراردادی والدین جلوگیری شود و تمام توافقات در پرتوی عدالت، مصلحت کودک و الزامات انسانی مورد ارزیابی قرار گیرند (ظهرا ب‌زاده و اسدی کوه، ۱۴۰۱: ۳۳).

### ۳- قوانین آمره در حقوق ایران؛ قید الزام‌آور در تنظیم قرارداد حضانت

قوانین آمره، قوانین خاصی هستند که طرفین قرارداد نمی‌توانند برخلاف آنها توافق کنند و هدف آنها حمایت از منافع عمومی و حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر، به‌ویژه کودکان، است.

در مورد حضانت، قانون مدنی ایران در ماده ۱۱۶۸ تصریح می‌کند که حضانت هم یک حق و هم یک تکلیف برای والدین است. این قوانین، به‌ویژه ماده ۱۱۶۹، تأکید دارند که حضانت فرزند تا هفت‌سالگی به عهده مادر است و پس از آن به عهده پدر، مگر در موارد خاص که مصلحت کودک ایجاب کند تا تصمیم متفاوتی گرفته شود. این مواد به‌طور مشخص آمره هستند و نمی‌توان برخلاف آنها توافق کرد، مگر اینکه دادگاه با توجه به شرایط ویژه، تغییرات لازم را اعمال کند. بنابراین، والدین نمی‌توانند به‌طور آزادانه توافق کنند که حضانت کودک را بدون در نظر گرفتن این ترتیب قانونی تنظیم کنند، مگر آنکه دادگاه در این باره نظر مثبتی داشته باشد (حیدری، ۱۴۰۳: ۶۳).

این نکته به‌طور خاص به این معناست که حتی اگر والدین بخواهند حضانت را برخلاف این ترتیبات قانونی تنظیم کنند، مانند اینکه حضانت کودکی سه‌ساله را به پدر بسپارند، چنین توافقی فقط در صورتی معتبر خواهد بود که دادگاه تشخیص دهد که این تصمیم به نفع کودک است. به این ترتیب، آزادی اراده والدین در این زمینه مشروط به رعایت قوانین آمره و تأیید نهادهای قضایی است که به‌طور مستقیم به حقوق و رفاه کودک توجه دارند (Ackerman et al., 2021: 410).

### ۱-۳- نظم عمومی؛ حافظ توازن اجتماعی در قراردادهای خانوادگی

نظم عمومی به مجموعه‌ای از اصول و قواعد قانونی اطلاق می‌شود که به‌منظور حفظ بنیادهای اساسی جامعه و تأمین منافع عمومی وضع شده‌اند. این اصول و قواعد ممکن است حتی برخلاف خواسته‌ها و اراده فردی افراد، مانع از اجرای توافقاتی شوند که آنها بین خود تنظیم کرده‌اند. ماده ۹۷۵ قانون مدنی ایران تصریح دارد که محاکم قضایی نمی‌توانند قراردادهایی را که با نظم عمومی مخالف هستند، معتبر بدانند. در این زمینه، قوانین مربوط به قرارداد حضانت در تلاشند تا ضمن احترام به حقوق فردی والدین، از توازن و انسجام اجتماعی حمایت کنند (کریمی‌زاده و مزیدی، ۱۴۰۲: ۹۱).

در خصوص قراردادهای حضانت، نظم عمومی در نقش مدافع حقوق کودک و حفاظت از نهاد خانواده عمل می‌کند. به‌عنوان مثال، اگر توافقی میان والدین صورت گیرد که یکی از والدین را به‌طور کامل از دیدار با فرزند محروم کند یا حضانت را به شخصی بسپارند که

صلاحیت اخلاقی یا روانی ندارد، چنین توافقی به دلیل مغایرت با نظم عمومی و مصلحت کودک، بی اعتبار خواهد بود. نظم عمومی نه تنها از حقوق کودک دفاع می کند، بلکه از توازن در ساختار خانواده و سلامت روانی و عاطفی کودک نیز محافظت می کند (کریمی زاده و مزیدی، ۱۴۰۲: ۹۱).

### ۲-۳- اخلاق حسنه؛ ارزش های اخلاقی در خدمت حقوق کودک

اخلاق حسنه یکی دیگر از محدودیت های مهمی است که بر آزادی اراده در قراردادهای حضانت اثرگذار است. برخلاف قوانین آمره که جنبه الزام آور و رسمی دارند، اخلاق حسنه بیشتر به ارزش ها و هنجارهای فرهنگی، دینی و اجتماعی جامعه مرتبط است. اگرچه تعریف دقیقی از اخلاق حسنه ارائه نشده، اما در روبه قضایی و تفسیرهای حقوقی، اصولی چون عدالت، انصاف، احترام به حقوق دیگران و توجه به تربیت صحیح کودک به عنوان ویژگی های اخلاق حسنه شناخته می شوند (علی نژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۴).

اگر یکی از والدین در قرارداد حضانت تعهد کند که فرزند را از دیدار با والد دیگر محروم کند یا به کودک القائاتی نماید که منجر به بیزاری او از والد دیگر شود، چنین رفتاری مغایر با اخلاق حسنه محسوب می شود. این نوع رفتارها نه تنها موجب تضعیف روابط عاطفی کودک با والدین می شود، بلکه در بسیاری از موارد، باعث می شود که دادگاه در ارزیابی قرارداد بازنگری کرده و آن را اصلاح کند (علی نژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۴).

### ۴- مبنای حضانت در حقوق ایران

در حقوق ایران، حضانت کودک بر مبنای سن کودک و به صورت اولویت بندی میان والدین تعیین شده است. ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی ایران مقرر می دارد که حضانت کودک تا سن هفت سالگی با مادر و پس از آن با پدر خواهد بود. این قاعده، بر مبنای فرض عمومی وابستگی کودک در سنین ابتدایی زندگی به مادر شکل گرفته است. بر اساس تحلیل روان شناسانه و جامعه شناسانه، کودک در سال های نخست زندگی، بیشترین نیاز عاطفی و جسمی را به مادر دارد؛ این وابستگی از دوران بارداری آغاز و تا حدودی از سنین پیش از دبستان ادامه می یابد (شیشه بر و میرحسینی، ۱۴۰۳: ۱۶).

با این حال، پس از سن هفت سالگی، قانون گذار با فرض اینکه کودک نیازمند حضور پدر برای آموزش و تربیت در محیط اجتماعی است، حضانت را به پدر واگذار کرده است. البته

در تبصره ماده ۱۱۶۹ تصریح شده که در صورت بروز اختلاف میان والدین، دادگاه می‌تواند با در نظر گرفتن مصلحت کودک، تصمیم‌گیری کند. به این ترتیب، اصل «مصلحت کودک» به عنوان معیار ثانویه وارد فرایند تصمیم‌گیری می‌شود، اما در عمل غالباً سن کودک و جنسیت والدین تعیین‌کننده اصلی هستند (شیشه‌بر و میرحسینی، ۱۴۰۳: ۱۶).

### ۵- مبنای حضانت در حقوق کانادا

در نظام حقوقی کانادا، اولویت حضانت نه بر پایه سن کودک و نه بر اساس جنسیت والدین تعیین می‌شود، بلکه معیار اصلی و بنیادین، اصل «مصلحت کودک» است. این اصل در مواد مختلف قانون طلاق کانادا از جمله ماده ۱۶(۳) و ۱۶(۵) آمده است و تأکید دارد که هرگونه تصمیم درباره حضانت و زمان‌بندی دیدار با والدین باید با در نظر گرفتن بالاترین منافع و رفاه کودک اتخاذ شود (Sheehy & Boyd, 2020: p.87).

در حقوق کانادا، دادگاه برای تعیین حضانت، مجموعه‌ای از عوامل را بررسی می‌کند، از جمله:

- نیازهای جسمی، روانی و عاطفی کودک با توجه به سن و مرحله رشد او؛
- رابطه کودک با والدین، خواهران، برادران، پدربزرگ و مادربزرگ؛
- ثبات محیط زندگی کودک؛
- رفتار گذشته والدین و نقش آن در توانایی ایفای نقش تربیتی؛
- نظر کودک، به ویژه اگر نوجوان باشد؛
- توانایی والدین در حمایت از ارتباط کودک با والد دیگر (Sheehy & Boyd, 2020: p.87).

در این چارچوب، قاضی با بررسی شرایط خاص هر پرونده، تصمیمی شخصی‌سازی شده اتخاذ می‌کند و هیچ قاعده کلی همچون تقدم مادر در سنین پایین یا تقدم پدر در سنین بالا وجود ندارد (Sheehy & Boyd, 2020: p.87).

### ۶- نقش مصلحت کودک در تعیین اعتبار قرارداد حضانت

مصلحت کودک یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین معیارهایی است که در ارزیابی اعتبار قراردادهای حضانت باید در نظر گرفته شود. هرچند قوانین آمره، نظم عمومی و اخلاق

حسنة نقش مهمی دارند، اما در نهایت، همواره این سؤال مطرح می‌شود که آیا مفاد قرارداد به نفع کودک است یا خیر؟ مصلحت کودک در واقع نقطه تلاقی حقوق فردی والدین و الزامات قانونی و اخلاقی جامعه است (جعفری، ۱۴۰۳: ۷).

دادگاه‌ها در بررسی اعتبار قرارداد حضانت، بیشتر از آنکه به خواست و اراده طرفین توجه کنند، آثار قرارداد را بر روان، امنیت و رشد کودک مدنظر قرار می‌دهند. به همین دلیل است که بسیاری از توافقات خصوصی والدین که برخلاف مصلحت کودک باشد، از سوی دادگاه رد یا نیازمند اصلاح قرار می‌گردد. این اصل بر این پایه استوار است که در نهایت، هرگونه توافقی باید به نفع رفاه و رشد سالم کودک باشد (جعفری، ۱۴۰۳: ۷).

## ۷- قرارداد حضانت و محدودیت‌های قانونی آن در حقوق ایران: تجزیه و تحلیل موانع و تأثیرات بر حقوق کودک

قرارداد حضانت، به‌عنوان یکی از مسائل کلیدی در تعیین سرپرستی و مراقبت از فرزندان در هنگام جدایی والدین، نمی‌تواند کاملاً بر اساس اراده آزاد والدین تنظیم شود. در حقوق ایران، این قراردادها تحت تأثیر موانع قانونی و محدودیت‌هایی قرار دارند که نقش مهمی در حفظ حقوق کودک و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی دارند. در این متن، به‌طور دقیق‌تری به بررسی این موانع و محدودیت‌ها خواهیم پرداخت و نحوه تأثیر آنها بر اعتبار و شرایط قرارداد حضانت را در نظام حقوقی ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد (آرامش، ۱۴۰۳: ۳).

این محدودیت‌ها، شامل قوانین آمره، اصول نظم عمومی و مصلحت عالی‌ه کودک هستند. به‌طور خاص، در حقوق ایران، قراردادهای حضانت باید مطابق با مصلحت کودک و قوانین آمره و همچنین اخلاق حسنة و نظم عمومی باشند. این به این معنی است که حتی اگر والدین توافقی در زمینه حضانت کودک داشته باشند، دادگاه‌ها موظف هستند که توافقات را بررسی کنند تا اطمینان حاصل شود که هیچ‌گونه آسیب به حقوق یا رفاه کودک وارد نخواهد شد (آرامش، ۱۴۰۳: ۳).

## ۸- موانع قانونی و تأثیر آنها بر قرارداد حضانت

موانع قانونی به محدودیت‌هایی اطلاق می‌شود که از سوی قانون‌گذار برای حمایت از منافع عمومی و حقوق فردی افراد وضع شده‌اند. در زمینه قرارداد حضانت، این موانع

به‌ویژه به‌منظور جلوگیری از تضاد منافع و دفاع از حقوق کودک در برابر سوءاستفاده‌های احتمالی ایجاد شده‌اند. به‌عنوان مثال، اگر یکی از والدین به‌عنوان ولی یا قیم فرزند عمل کند، طبق ماده ۱۲۴۰ قانون مدنی ایران، نمی‌تواند با خود معامله کند. این بدین معناست که چنین شخصی نمی‌تواند قرارداد حضانت را به‌گونه‌ای تنظیم کند که به نفع خود و به ضرر طرف دیگر باشد (نخعی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳).

یکی دیگر از موانعی که برای قبل از اجرای طلاق پیش‌بینی شد، مربوط است به تعیین تکلیف حضانت و ترتیبات ملاقات فرزند مشترک قبل از طلاق. این موارد در نهایت در قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱ در ماده ۲۹ آمد و مقرر شد که: «دادگاه ضمن رأی خود با توجه به شروط ضمن عقد و مندرجات سند ازدواج، تکلیف جهیزیه، مهریه و نفقه زوجه، اطفال و حمل را معین و همچنین اجرت‌المثل ایام زوجیت طرفین مطابق تبصره ماده (۳۳۶) قانون مدنی تعیین و در مورد چگونگی حضانت و نگهداری اطفال و نحوه پرداخت هزینه‌های حضانت و نگهداری تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند». همچنین دادگاه باید با توجه به وابستگی عاطفی و مصلحت طفل، ترتیب، زمان و مکان ملاقات وی با پدر و مادر و سایر بستگان را تعیین کند. ثبت طلاق موکول به تادیه حقوق مالی زوجه است. طلاق در صورت رضایت زوجه یا صدور حکم قطعی دایر بر اعسار زوج یا تقسیط محکوم به نیز ثبت می‌شود. در هر حال، هرگاه زن بدون دریافت حقوق مذکور به ثبت طلاق رضایت دهد می‌تواند پس از ثبت طلاق برای دریافت این حقوق از طریق اجرای احکام دادگستری مطابق مقررات مربوط اقدام کند. (مهرپور و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۷)

این قید قانونی به‌ویژه در مواردی که یکی از والدین از موقعیت قیمومیت یا ولایت برخوردار است، حائز اهمیت می‌شود. اگر یکی از والدین در مقام قیم فرزند قرار گیرد، نمی‌تواند تصمیمات یا توافقاتی را اتخاذ کند که برای وی نفع مالی یا شخصی به همراه داشته باشد. این قانون، با هدف جلوگیری از هرگونه تضاد منافع و حمایت از حقوق کودک، تأسیس شده است. در این راستا، هر تصمیم یا توافقی که ممکن است به ضرر کودک باشد یا به‌طور غیرمنصفانه به نفع یکی از والدین باشد، نمی‌تواند به‌طور قانونی معتبر شناخته شود. بنابراین، والدین باید تمامی توافقات خود را در چارچوب قوانین و اصول اخلاقی تنظیم کنند تا از تضاد منافع و آسیب به حقوق کودک جلوگیری کنند (نخعی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳).

## ۹- حقوق حضانت در ایران و کانادا

موضوع حضانت فرزندان پس از جدایی والدین، یکی از موضوعات اساسی و پرچالش حقوق خانواده است که در نظام‌های مختلف حقوقی، از جمله ایران و کانادا، اهمیت ویژه‌ای یافته است. تفاوت‌های بنیادین در نگرش‌ها، معیارها و اهداف این دو نظام، ریشه در مبانی حقوقی، اجتماعی و فرهنگی آنها دارد. در نظام حقوقی ایران، مبانی فقهی شیعه به‌عنوان رکن اساسی ساختار حقوقی حضانت، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. اصول فقهی مربوط به ولایت، قیمومیت و حقوق و وظایف والدین در تربیت و نگهداری کودک، زیربنای قوانین مدنی و شرعی ایران در حوزه حضانت است (کرم‌دار، ۱۴۰۳: ۷).

به‌طور خاص، آرای فقها و اجماع‌های فقهی درباره اولویت حضانت مادر تا سن معینی (معمولاً هفت سال) و سپس حضانت پدر، مبنای اصلی بسیاری از مقررات قانونی و رویه قضایی در ایران است. این مبانی، نه تنها تعیین‌کننده ساختار حقوقی حضانت بلکه تأثیرگذار بر رویکردهای قضایی در رسیدگی به دعاوی حضانت هستند. برای نمونه، برخی از فقها حضانت را تکلیفی هم‌سنگ با ولایت می‌دانند که همراه با رعایت مصلحت طفل، محدودیت‌هایی بر حق والدین ایجاد می‌کند (صدر، ۱۳۷۹: ۲۱۵). این مبانی فقهی، ضمن تأکید بر مسئولیت والدین نسبت به فرزند، به دادگاه‌ها نیز اختیاراتی می‌دهد تا در صورت تضاد منافع والدین و طفل، تصمیم به تغییر یا انتقال حضانت بگیرند. در مقابل، در نظام حقوقی کانادا، منطق حقوقی بر اساس معیار «مصلحت عالی کودک» استوار است که از اصول کلی حقوق بشر و حقوق کودک نشئت گرفته است. این معیار، مستقل از جنسیت والدین یا پیش‌فرض‌های دینی، مبنای اصلی دادگاه‌ها در تعیین حضانت و زمان‌بندی ملاقات است. حقوق کانادا، با پذیرش اصل برابری والدین، بیشتر به شرایط واقعی کودک و خانواده توجه دارد و از قالب‌های خشک و جنسیتی فاصله گرفته است (Stark et al., 2019: p.52).

## ۱۰- تفاوت‌های بنیادین در نگرش‌ها

تفاوت اصلی میان دو نظام حقوقی ایران و کانادا در نگاه آنها به نقش والدین و منافع کودک نهفته است. در ایران، قانون بر یک قاعده از پیش تعیین‌شده تکیه دارد و والدین را با توجه به سن کودک به‌صورت خودکار دارای اولویت حضانت می‌داند، مگر اینکه دلیل موجهی برای تغییر این ترتیب ارائه شود. این رویکرد باعث می‌شود تا در بسیاری از موارد، مصلحت

کودک به عنوان عامل اصلی تصمیم‌گیری، تحت الشعاع قواعد کلی و پیش‌فرض‌های جنسیتی قرار گیرد (ظهربازاده و اسدی کوه، ۱۴۰۱: ۳۵).

در مقابل، در حقوق کانادا هیچ تقدم ذاتی برای یکی از والدین وجود ندارد، بلکه وضعیت هر کودک به صورت جداگانه بررسی می‌شود. اصل راهنمای این نظام آن است که «هیچ دو کودکی شبیه هم نیستند» و بنابراین تصمیم‌گیری نیز باید انعطاف‌پذیر و بر اساس واقعیت‌های خاص هر خانواده باشد (ظهربازاده و اسدی کوه، ۱۴۰۱: ۳۵).

### ۱-۱۰- نقش احکام قضایی در تکوین توافق‌پذیری حضانت در حقوق کانادا و ایران

در حقوق کانادا، رأی دیوان عالی در پرونده *Miglin v. Miglin* (2003) ساختار بررسی توافقات خانوادگی (از جمله حضانت) را در قالب یک آزمون دو مرحله‌ای تعیین کرد. مرحله اول شامل بررسی فرایند مذاکرات و عدالت انعقاد توافق است و مرحله دوم، بررسی تطابق توافق با شرایط فعلی طرفین و اهداف می‌باشد. به عنوان مثال، اگر توافق اولیه تجدیدنظر ناپذیر تلقی شود و تغییر شرایط قابل پیش‌بینی نباشد، چنین توافقی «قابل تأیید» خواهد بود، در غیر این صورت دادگاه می‌تواند آن را بازنگری و اصلاح کند. (*Miglin v. Miglin*, 2003)

رأی دیگری که در سطح کانادا اهمیت دارد، *Gordon v. Goertz* (1996) است. دیوان عالی در این پرونده صراحتاً اعلام کرد که مبنای تصمیم‌گیری درباره تغییر ترتیبات حضانت یا جابه‌جایی والدین باید بر اساس وجود تغییر قابل توجه در شرایط کودک باشد و بدون هیچ پیش‌فرض ابتدایی قضاوت شود. قاضی باید به عوامل متعددی شامل روابط کودک با والدین، نظر خود کودک، اثر تغییرات جغرافیایی و سایر جنبه‌ها توجه کند تا ارزیابی «مصلحت فوق‌العاده کودک» به درستی انجام شود. (*Gordon v. Goertz*, 1996)

در نظام حقوقی ایران، اگرچه آرای قضایی رسمی منتشرشده محدودند، تحقیقات حقوقی به مواردی اشاره دارند که دیوان عالی کشور در جهت وحدت رویه پرونده‌هایی صادر کرده است که در آنها توافق والدین درباره حضانت (از جمله طلاق خلع و بخشش مهریه) به صورت مستقیم با مصلحت کودک سنجیده شده‌اند. در برخی تصمیمات، توافق والدین صرفاً به صورت نیابت در ایفای وظیفه تلقی شده و نه انتقال حقی واقعی که بتوان علیه آن توافق کرد. این آراء ظرفیت قابل توجهی در توسعه حقوق حضانت دارد و نشان می‌دهد که

قضاوت قضایی در ایران فراتر از تفویض اختیار صرف والدین، مصلحت کودک را محور بررسی قرار می‌دهد. (روزنامه رسمی، آرای منتشرشده دیوان عالی کشور، ۱۳۹۷)

در هر دو نظام، چنانی که آنلین در آرای کلیدی کانادا مشاهده می‌شود و در رویه‌های ایران تحلیل شده است، توافق والدین درباره حضانت تنها تا زمانی معتبر است که با «مصلحت کودک» سازگار باشد. اگر توافق به هر دلیلی سلامت جسمی، روانی یا اجتماعی طفل را به خطر اندازد، دادگاه‌ها برای حفظ منافع کودک اختیار اصلاح، تغییر یا ابطال آن را دارند. این ساختار حقوقی، هم در قضاوت‌های کانادا و هم در تصمیمات قضایی ایران، چارچوبی یکسان را برای ارزیابی معتبر بودن توافقات حضانت ترسیم می‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ص ۴۸۱)

## ۲-۱۰- نقش دادگاه در تعیین حضانت

در هر دو نظام، دادگاه نقش مهمی در تعیین حضانت ایفا می‌کند، اما اختیارات دادگاه در کانادا گسترده‌تر و مبتنی بر تحلیل‌های روان‌شناختی، اجتماعی و حقوق کودک است. دادگاه‌های کانادا گاه از روان‌شناسان کودک و مددکاران اجتماعی برای ارزیابی شرایط خانوادگی استفاده می‌کنند و حتی نظر مستقیم کودک را نیز می‌پذیرند (کرم‌دار، ۱۴۰۳: ۸).

در ایران، دادگاه‌ها معمولاً بیشتر به مدارک قانونی و ادعاهای والدین توجه می‌کنند و در بسیاری از موارد نقش کارشناسان اجتماعی در فرایند قضایی محدود است، مگر در پرونده‌هایی که به‌طور خاص پیچیده باشند. این تفاوت، باعث می‌شود که تصمیمات قضایی در ایران اغلب با قاعده‌ی سنی ماده ۱۱۶۹ منطبق باشد و کمتر به‌صورت پرونده‌محور اتخاذ شود (کرم‌دار، ۱۴۰۳: ۸).

## ۱۱- شباهت‌ها و نقاط اشتراک

با وجود اینکه در هر دو نظام حقوقی ایران و کانادا، والدین قادر به تنظیم توافق در خصوص حضانت هستند، در مواردی که یکی از والدین فاقد صلاحیت برای نگهداری از کودک باشد، این توافقات به‌طور کامل معتبر نخواهند بود. هر دو نظام در شرایط خاصی که نشان‌دهنده عدم صلاحیت والد است، امکان سلب حضانت را پیش‌بینی کرده‌اند. برای

نمونه، در کانادا اگر والد رفتار خشونت‌آمیز یا توهین‌آمیز نسبت به کودک داشته باشد، از حق حضانت محروم می‌شود، حتی اگر توافقی با والد دیگر در خصوص حضانت کرده باشد. در حقوق ایران نیز، اگر اثبات شود که یکی از والدین صلاحیت لازم برای حضانت کودک را ندارد، حتی در صورت وجود توافق، دادگاه ممکن است حضانت را به فرد دیگری یا شخص ثالث واگذار کند (ظهرا ب‌زاده و اسدی کوه، ۱۴۰۱: ۳۶).

با اینکه والدین در بسیاری از موارد می‌توانند در خصوص نحوه حضانت فرزند به توافق برسند، این توافقات همواره مشروط به رعایت حقوق دیگر والد و مصلحت کودک هستند. برای مثال، در هر دو نظام حقوقی ایران و کانادا، قوانین مربوط به حضانت برای تضمین منافع کودک و جلوگیری از هرگونه آسیب احتمالی به حقوق کودک تدوین شده‌اند. حتی در صورتی که والدین در مورد حضانت توافق کنند، این توافقات باید از منظر دادگاه بررسی شود تا اطمینان حاصل گردد که هیچ‌گونه آسیب به رفاه کودک وارد نخواهد شد (ظهرا ب‌زاده و اسدی کوه، ۱۴۰۱: ۳۶).

## ۱-۱۱- تفاوت‌های بنیان‌های حقوقی و فرهنگی ایران و کانادا و تأثیر آن بر مقررات حضانت

یکی از نکات کلیدی در بررسی تطبیقی مقررات حضانت در ایران و کانادا، توجه به تفاوت‌های اساسی در بنیان‌های حقوقی و فرهنگی این دو کشور است. این تفاوت‌ها نه تنها موجب شکل‌گیری قواعد و مقررات متفاوت شده‌اند، بلکه در نحوه اجرا و تفسیر این مقررات توسط مراجع قضایی نیز تأثیرگذار هستند.

در ایران، نظام حقوقی مبتنی بر فقه امامیه و قوانین اسلامی است که با تأکید بر اصول شرعی، جایگاه خاصی برای نهاد خانواده و نقش‌های جنسیتی والدین قائل است. حضانت کودکان به طور سنتی با نگاه جنسیتی تعریف شده است؛ به گونه‌ای که حضانت کودکان خردسال بیشتر به مادر سپرده می‌شود و پس از سن معینی، حضانت عمدتاً بر عهده پدر قرار می‌گیرد. این ساختار حقوقی در متن فرهنگی جامعه ایران ریشه دارد که خانواده را نهاد مقدس و محور اصلی حمایت اجتماعی می‌داند و نقش‌های مشخصی برای مادر و پدر تعریف کرده است (کرم‌دار، ۱۴۰۳: ۱۰).

از سوی دیگر، نظام حقوقی کانادا بر پایه اصول حقوق بشر، حقوق کودک و قانون مدنی به سبک غربی استوار است. فرهنگ حقوقی کانادا، بر اساس برابری جنسیتی، حقوق فردی و استقلال کودکان شکل گرفته است. معیار اصلی تصمیم‌گیری در مورد حضانت، مصلحت واقعی کودک است و نه جنسیت والدین یا الگوهای فرهنگی ثابت. این رویکرد بازتابی از تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی تاریخی کانادا در برخورد با مسائل خانواده و حقوق کودک است (Stark et al., 2019: p.55).

بنابراین، تفاوت بنیادین در بنیان‌های حقوقی و فرهنگی این دو کشور، منجر به ایجاد رویکردهای متفاوت در مقررات حضانت شده است. در ایران، قواعد حضانت به شدت متأثر از مبانی فقهی و سنت‌های اجتماعی هستند که به نقش مادر و پدر چارچوب مشخصی می‌دهند، در حالی که در کانادا قوانین و رویه قضایی بر نیازهای فردی کودک و شرایط واقعی خانواده متمرکز است و نقش‌های جنسیتی جایگاه کمتری دارند.

این تفاوت‌ها نه تنها در متون قانونی بلکه در رفتار قضات و نحوه اجرای قوانین نیز مشاهده می‌شود. در ایران، قضات با توجه به فقه و قواعد شرعی، احکام حضانت را صادر می‌کنند و باید در چارچوب آن عمل کنند؛ اما در کانادا قضات از اختیار بیشتری برخوردارند تا با توجه به ویژگی‌های هر پرونده، تصمیم‌گیری نمایند.

## ۱۲- محدودیت‌های ناشی از قراردادهای قبلی یا وصیت‌نامه‌ها

در برخی موارد، والدین ممکن است با محدودیت‌هایی مواجه شوند که ناشی از پیمان‌ها، توافقات یا وصیت‌نامه‌های قبلی است. این محدودیت‌ها می‌تواند به‌طور قابل توجهی بر قابلیت تنظیم قرارداد حضانت تأثیر بگذارد. به‌عنوان مثال، در صورتی که در وصیت‌نامه‌ای شرطی برای محدود کردن حق حضانت یکی از والدین وجود داشته باشد، این شرط می‌تواند مانع از انعقاد یک قرارداد حضانت جدید شود. این نوع محدودیت‌ها به‌ویژه زمانی مهم می‌شود که یکی از والدین قصد تغییر شرایط قبلی را داشته باشد، زیرا ممکن است توافق جدید با شروط موجود مغایرت داشته باشد (Zumbach, et al., 2022: p.5).

توافقات یا پیمان‌هایی که در گذشته منعقد شده‌اند، باید در نظر گرفته شوند. در صورتی که توافق جدید برخلاف شرایط و شروط قبلی باشد، ممکن است از نظر قانونی باطل شناخته

شود. به‌عنوان مثال، اگر یکی از والدین قبل از طلاق به‌طور قانونی به‌عنوان سرپرست و ولی فرزند تعیین شده باشد، تغییر شرایط حضانت نیاز به تأیید دادگاه خواهد داشت. این امر موجب می‌شود که هرگونه توافق جدید در جهت تغییر شرایط حضانت، به‌ویژه اگر برخلاف توافقات قبلی باشد، از نظر قانونی نیاز به بررسی دقیق داشته باشد. در این صورت، ممکن است دادگاه تصمیم بگیرد که تغییر شرایط حضانت در راستای منافع کودک نیست و بنابراین این تغییرات را رد کند (آناهیید و نوروزی، ۱۴۰۲: ۱۴).

### ۱-۱۲- حق فسخ قرارداد و خیار شرط

در بسیاری از قراردادهای خانواده‌ها، به‌ویژه قراردادهای خانوادگی مانند قرارداد حضانت، امکان درج حق فسخ یا «خیار شرط» وجود دارد. خیار شرط به والدین این امکان را می‌دهد که در صورت تغییر شرایط یا بروز اختلافات، قرارداد را فسخ کنند. این حق، به‌عنوان یک ابزار قانونی، به‌ویژه در مواردی که شرایط اجتماعی یا اقتصادی تغییر کرده است، می‌تواند مفید باشد (حدادیان، ۱۴۰۳: ۶).

برای مثال، اگر یکی از والدین پس از مدتی احساس کند که شرایط قرارداد حضانت به‌طور جدی به نفع کودک نیست یا یکی از طرفین از تعهدات خود در قرارداد سرپیچی کرده باشد، می‌تواند با استفاده از خیار شرط، قرارداد را فسخ کرده و از ادامه آن خودداری کند. این حق، همچون یک سازوکار حفاظتی عمل می‌کند تا والدین در شرایط خاص بتوانند تصمیماتی که به نفع کودک است، اتخاذ کنند. در این زمینه، امکان فسخ قرارداد به والدین این فرصت را می‌دهد که در صورت بروز هرگونه مشکل یا تغییرات اساسی، حضانت کودک را در چارچوب منافع کودک بازنگری کنند و از هرگونه تصمیم‌گیری که به ضرر کودک باشد، جلوگیری نمایند (حدادیان، ۱۴۰۳: ۶).

### ۱۳- اهمیت رعایت الزامات قانونی و حفظ حقوق کودک

همان‌طور که مشاهده می‌شود، محدودیت‌های قانونی در قراردادهای حضانت نه‌تنها به‌منظور جلوگیری از تضاد منافع میان والدین، بلکه با هدف تأمین حقوق و رفاه کودک وضع شده‌اند. در هر حالتی که توافقی میان والدین بر سر حضانت فرزند انجام می‌شود، باید این توافقات در چارچوب قوانین آمره و اصول قانونی کشور قرار گیرد. در غیر این

صورت، قرارداد ممکن است از نظر قانونی اعتبار نداشته باشد و منجر به مشکلات حقوقی شود (صفایی و ادبی، ۱۴۰۳: ۱۲).

این موانع قانونی همچنین به حفظ مصلحت کودک کمک می‌کنند. همان‌طور که در قوانین مربوط به حضانت آمده است، حتی اگر یکی از والدین بخواهد حضانت کودک را به‌تنهایی بر عهده گیرد، باید این اقدام در راستای منافع کودک و با در نظر گرفتن شرایط روانی و عاطفی وی صورت پذیرد. بنابراین، رعایت این موانع قانونی در حقیقت به‌عنوان یک تضمین برای عدالت و انصاف در راستای حقوق کودک عمل می‌کند. این فرایند نه‌تنها به جلوگیری از تضاد منافع میان والدین کمک می‌کند، بلکه از حقوق و رفاه کودک در محیطی سالم و امن نیز محافظت می‌نماید (نخعی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۴).



## نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی مفهوم «توافق‌پذیری حضانت کودک» در حقوق ایران و کانادا نشان می‌دهد که هر دو نظام حقوقی، با وجود تفاوت‌های ساختاری و مبنایی، بر اصل بنیادین «تأمین منافع عالی‌ه کودک» اتفاق نظر دارند. با این حال، نحوه تحقق این اصل، حدود و اختیارات والدین در انعقاد توافق‌نامه‌های حضانت، و نقش دادگاه‌ها در نظارت و تفسیر این توافق‌ها در دو کشور به صورت معناداری متفاوت است.

در حقوق ایران، قوانین حضانت در قالب قواعد آمره طراحی شده‌اند. مواد ۱۱۶۸ و ۱۱۶۹ قانون مدنی نه تنها ترتیب قانونی مشخصی برای واگذاری حضانت مقرر کرده‌اند، بلکه امکان توافق والدین را تنها در حدودی که مغایر با نظم عمومی، اخلاق حسنه و مصلحت کودک نباشد، مجاز دانسته‌اند. در عین حال، دستگاه قضایی ایران به رغم تصریح قانونی بر ارجحیت مصلحت طفل، هنوز در بسیاری از موارد بر رویه‌های سنتی و ترتیبات سنی تأکید دارد و عملاً قدرت مانور والدین در تعیین توافقی حضانت محدود است. همچنین، مشارکت نهادهای تخصصی مانند روان‌شناسان کودک یا مددکاران اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های حضانت بسیار ضعیف است.

در مقابل، نظام حقوقی کانادا با بهره‌گیری از ساختار غیرمتمرکز ایالتی و قوانین متکثر استانی نظیر *Children's Law Reform Act* و *Family Law Act*، اصل «Best Interests of the Child» را به عنوان معیار مطلق و اولویت‌دار برای اعتبارسنجی هرگونه توافق حضانت در نظر می‌گیرد. در این کشور، توافق والدین قابل پذیرش است اما تنها مشروط به تأیید دادگاه و ارزیابی دقیق منافع کودک. دادگاه‌های کانادایی در ارزیابی این توافقات، از ابزارهای متعددی مانند مشاوره تخصصی، بررسی توانایی روانی و عاطفی والدین، و حتی دریافت نظر کودک (بسته به سن و بلوغ) استفاده می‌کنند. همچنین، دادگاه‌ها حتی در صورت وجود توافق والدین، در صورتی که آن را مخالف منافع کودک بدانند، می‌توانند آن را لغو یا اصلاح کنند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، به نظر می‌رسد حقوق ایران برای ارتقاء کیفی در حوزه تصمیم‌گیری‌های مربوط به حضانت، نیازمند بازنگری در قواعد سنتی و پذیرش تفسیری پویا از اصل مصلحت کودک است. پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با اصلاح ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی و تصریح اصل «مصلحت کودک» به‌عنوان معیار مقدم بر جنسیت والدین یا سن کودک، گام مهمی در راستای عدالت خانواده‌محور بردارد. همچنین، افزایش مشارکت کارشناسان اجتماعی و روان‌شناختی در فرایندهای قضایی، به‌ویژه در موارد توافقی، می‌تواند زمینه اجرای واقعی‌تر این اصل را فراهم سازد. تجربه پرونده‌محور و منعطف حقوق کانادا می‌تواند الگویی کارآمد برای تحقق این تحول در نظام حقوقی ایران باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

### فارسی

۱. آرامش، شیرین (۱۴۰۳). حضانت در فقه و حقوق ایران. اولین همایش بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، حقوق، علوم انسانی و کارآفرینی، ۱۱-۱.
۲. آناهید، فاطمه و نوروزی کله‌سر، مهسا (۱۴۰۲). قابلیت استناد توافق والدین در خصوص حضانت فرزندان. هفتمین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم قضایی، تهران، ۳۰-۱۳.
۳. بمانیان، عرفان و حسین میرزایی، معصومه (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی حضانت در نظام حقوقی ایران و سوئد، ۴۰-۲۸.
۴. جعفری، داوود (۱۴۰۳). بررسی جایگاه مصلحت کودک در دعاوی حضانت در قوانین با تأکید در رویه قضایی ایران. نوزدهمین کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی، روان‌شناسی و مشاوره، شیروان، ۱۵-۱.
۵. جمال سیسی، سجاد (۱۴۰۳). حضانت فرزند از دیدگاه فقهی و حقوقی. اولین کنفرانس بین‌المللی انقلاب علوم انسانی اسلامی، ساری، ۵۰-۴۴.
۶. حدادیان، عادل (۱۴۰۳). بررسی حضانت فرزندان: حقوق، چالش‌ها و تأثیرات روانی و اجتماعی. نخستین کنگره ملی توسعه پایدار و مسئولیت‌های اجتماعی: چالش‌ها و راهکارها، شیراز، ۲۳-۱.
۷. حسینی‌نژاد، سید محمدعلی؛ علیزاده، فاطمه و اسماعیلی، علی‌اکبر (۱۴۰۳). حمایت از حضانت کودک در کنوانسیون حقوق کودک در مقایسه با حقوق ایران. اولین همایش ملی تأثیر متقابل حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی در توسعه قوانین، گرگان، ۹-۱.
۸. حکمت‌نژاد، فرزانه و سهرابی، فاطمه (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی حضانت کودک در حقوق مدنی ایران با نگاهی بر کشورهای اروپایی و آمریکایی. یازدهمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در فقه، حقوق و علوم انسانی، تهران، ۱۵-۱.
۹. حیدری هندیجانی، مدینه (۱۴۰۳). حق حضانت فرزند. ششمین همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روان‌شناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم، میناب، ۷۰-۶۲.
۱۰. روزنامه رسمی، آرای منتشرشده دیوان عالی کشور، ۱۳۹۷.
۱۱. زارعی، فاطمه؛ کریمی، مهدی و محمدی، شاهرخ (۱۴۰۰). حضانت کودک از نظر فقه و حقوق ایران. هفتمین کنفرانس ملی مطالعات مدیریت در علوم انسانی، تهران، ۸-۱.
۱۲. سابکی، مجید (۱۴۰۳). موارد منع و اسقاط حضانت فرزند از منظر فقه امامیه و حقوق موضوعه. شانزدهمین کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی، روان‌شناسی و مشاوره، شیروان، ۹۰-۷۵.

۱۳. شیشه‌بر، حسین و میرحسنى نصرآبادى، زهره السادات (۱۴۰۳). بررسی حضانت فرزند در حقوق ایران. نهمین کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق و پژوهش‌های دینی، ۲۰-۱۰.
۱۴. صفایی، لیلی و ادبی چرمی، علی (۱۴۰۳). بررسی مصلحت طفل و حضانت کودکان در قانون و رویه قضایی و کنوانسیون حقوق کودک. اولین همایش ملی تأثیر متقابل حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی در توسعه قوانین، گرگان، ۲۴-۱۲.
۱۵. ظهرا ب‌زاده، نسیم و اسدی کوه‌باد، هرمز (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی حق حضانت کودک در حقوق ایران با نگاهی به سایر کشورها. دهمین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، اجتماعی و سبک زندگی، ۴۴-۳۰.
۱۶. علی‌نژاد، ایلناز؛ صالحی، سید مهدی و نیک‌خواه سرتقی، رضا (۱۳۹۷). بررسی جایگاه زن در اخلاق اسلامی با تأکید بر حق حضانت و اشتغال زنان در حقوق اسلام و بشر. فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، دوره ۸، شماره ۳۰، ۱۷۴-۱۶۱.
۱۷. قاسم‌نژاد، فاطمه و حلاجی دزفولی، مرجان (۱۴۰۳). آثار فقهی حقوقی تغییر جنسیت والدین بر حضانت و ولایت فرزندان. مجله پژوهش‌های معاصر در علوم و تحقیقات، ۳۸، ۱۸-۱.
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۸). حقوق خانواده. جلد اول، تهران: نشر میزان.
۱۹. کاظمی، سیدمهدی (۱۴۰۲). دادرسی فوری در دعاوی خانوادگی. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی
۲۰. کرم‌دار، کیوان (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی حضانت فرزندان در طلاق توافقی در حقوق ایران و کشورهای پیشرو. اولین همایش بین‌المللی معلمان استعدادیاب و فرهنگ‌ساز در توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش در مسیر توسعه پایدار، ۲۲-۱.
۲۱. کریمی‌زاده، احمدعلی و مزیدی شرف‌آبادی، علی (۱۴۰۲). بررسی مسئله حضانت فرزند در حقوق ایران. سومین کنفرانس بین‌المللی دانش و فناوری حقوق و علوم انسانی ایران، تهران، ۱۰۰-۹۰.
۲۲. مهرپور، حسین و درویش زاده، محمدجواد (۱۴۰۰). تحدید قاعده حاکمیت بی قید و شرط زوج بر طلاق در فقه و حقوق موضوعه ایران. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی
۲۳. ناصری‌پور، مریم (۱۴۰۳). تحلیل تطبیقی حضانت مادر در حقوق اسلام و کنوانسیون حقوق کودک. چهارمین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، علوم اجتماعی و حقوق، ۱۱۹-۱۰۱.
۲۴. نخعی، احسان؛ دهقانی، احمد و کریمی، محمدحسین (۱۳۹۵). شرایط و موانع حضانت. سومین همایش بسترهای فساد مالی و اداری در نظام حقوقی ایران با رویکرد اصلاح و توسعه نظام حقوقی، میبد، ۳۳-۲۲.

## References

1. Ackerman, M. J., Bow, J. N., & Mathy, N. (2021). Child custody evaluation practices: Where we were, where we are, and where we are going. *Professional Psychology: Research and Practice*, 52(4), 406-450.
2. Ali-Nejad, I., Salehi, S. M., & Nik-Khah Sarneghi, R. (2018). Examining the status of women in Islamic ethics with emphasis on the right of custody and women's employment in Islamic and human rights law. *Journal of Ethical Research*, 8(30), 161-174. [In Persian]
3. Anahid, F., & Norouzi Kelesar, M. (2023). The admissibility of parental agreements regarding child custody. In *The 7th International Conference on Law and Judicial Sciences*, Tehran, 13-30. [In Persian]
4. Aramesh, Sh. (2024). Custody in Islamic jurisprudence and Iranian law. In *The First International Conference on New Research in Management, Law, Humanities and Entrepreneurship*, 1-11. [In Persian]
5. Archer-Kuhn, B. (2019). Understanding the Parent Experience in Child Custody Decision-Making: How Social Workers Can Help. *Families in Society*, 100(2), 200-212.
6. Axelson, T., & Gentile, J. (2024). Are child custody evaluations beneficial to family law judges? A study from the judicial perspective. *Family Court Review*, 62(1), 194-211.
7. Bamanian, E., & Hosseini Mirzaei, M. (2024). A comparative study of custody in the Iranian and Swedish legal systems. pp. 28-40. [In Persian]
8. Ghasem-Nejad, F., & Hallaji Dezfouli, M. (2024). Jurisprudential and legal effects of parental gender transition on child custody and guardianship. *Journal of Contemporary Research in Science and Studies*, 38, 1-18. [In Persian]
9. Hadadian, A. (2024). Examining child custody: Law, challenges, and psychological and social effects. In *The First National Congress on Sustainable Development and Social Responsibilities: Challenges and Solutions*, Shiraz, 1-23. [In Persian]
10. Hekmat-Nejad, F., & Sohrabi, F. (2022). A comparative study of child custody in Iranian civil law with reference to European and American countries. In *The 11th International Conference on New Research Achievements in Jurisprudence, Law and Humanities*, Tehran, 1-15. [In Persian]
11. Heydari Hendijani, M. (2024). The right of child custody. In *The 6th National Conference on Professional Research in Psychology and Counseling from the Teacher's Perspective*, Minab, 62-70. [In Persian]
12. Hosseini-Nejad, S. M. A., Alizadeh, F., & Esmaeili, A. A. (2024). Protection of child custody in the Convention on the Rights of the Child compared to Iranian law. In *The First National*

- Conference on the Interaction of International Law and Domestic Law in the Development of Legislation*, Gorgan, 1-9. [In Persian]
13. Jafari, D. (2024). Examining the role of the child's best interest in custody disputes in laws with emphasis on Iranian judicial practice. In *The 19th National Conference on Law, Social and Human Sciences, Psychology and Counseling*, Shirvan, 1-15. [In Persian]
  14. Jamal Sisi, S. (2024). Child custody from the perspective of jurisprudence and law. In *The First International Conference on the Islamic Human Sciences Revolution*, Sari, 44-50. [In Persian]
  15. Karamdar, K. (2024). A comparative study of child custody in consensual divorce in Iranian law and leading countries. In *The First International Conference of Talent-Finder Teachers and Culture Builders in the Development of Technical and Vocational Education and Training Towards Sustainable Development*, 1-22. [In Persian]
  16. Karimzadeh, A. A., & Mazidi Sharaf-Abadi, A. (2023). Examining the issue of child custody in Iranian law. In *The 3rd International Conference on Knowledge and Technology in Law and Humanities of Iran*, Tehran, 90-100. [In Persian]
  17. Katouzian, N. (2019). *Family law* (Vol. 1). Tehran: Mizan Publishing. [In Persian]
  18. Kazemi, S. M. (2023). Urgent proceedings in family disputes. *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 6(18), 61-85. <https://doi.org/10.22034/law.2023.1988424.1216>. [In Persian]
  19. Mackay, L., Ickowicz, S., Hayashi, K., & Abrahams, R. (2020). Rooming-in and loss of child custody: key factors in maternal overdose risk. *Addiction (Abingdon, England)*, 115(9), 1786-1787.
  20. Mehrpour, H., & Darvishzadeh, M. J. (2021). Restriction of the rule of the husband's unconditional authority over divorce in Islamic jurisprudence and Iranian substantive law. *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 4(11), 173-206.
  21. Nakhai, E., Dehghani, A., & Karimi, M. H. (2016). Conditions and obstacles to custody. In *The 3rd Conference on Financial and Administrative Corruption in the Iranian Legal System with an Approach to Reform and Development of the Legal System*, Meybod, 22-33. [In Persian]
  22. Naseri-Pour, M. (2024). A comparative analysis of maternal custody in Islamic law and the Convention on the Rights of the Child. In *The 4th International Conference on Humanities, Social Sciences and Law*, 101-119. [In Persian]
  23. Official Gazette of the Islamic Republic of Iran. (2018). *Published rulings of the Supreme Court of Iran*. [In Persian]
  24. Pelc, R. E. (2024). When Laws Change: Ramifications and implications for child custody evaluations. *Journal of Health Service Psychology*, 50(2), 97-102.

25. Sabaki, M. (2024). Cases of prohibition and termination of child custody from the perspective of Imamiyyah jurisprudence and substantive law. In *The 16th National Conference on Law, Social and Human Sciences, Psychology and Counseling*, Shirvan, 75-90. [In Persian]
26. Safaei, L., & Adabi Charmi, A. (2024). Examining the best interest of the child and custody in law, judicial practice, and the Convention on the Rights of the Child. In *The First National Conference on the Interaction of International Law and Domestic Law in the Development of Legislation*, Gorgan, 12-24. [In Persian]
27. Sheehy, E., & B. Boyd, S. (2020). Penalizing women's fear: Intimate partner violence and parental alienation in Canadian child custody cases. *Journal of social welfare and family law*, 42(1), 80-91.
28. Shishebar, H., & Mirhasani Nasrabadi, Z. S. (2024). Examining child custody in Iranian law. In *The 9th International Conference on Jurisprudence, Law, and Religious Studies*, 10-20. [In Persian]
29. Stark, D. P., Choplin, J. M., & Wellard, S. E. (2019). Properly accounting for domestic violence in child custody cases: An evidence-based analysis and reform proposal. *Mich. J. Gender & L.*, 26(1), 44-95.
30. Tustin, D. (2024). Differing Perspectives on Parent-Child Contact in Child Custody and Protection Cases. In *Psycho-legal Concepts for Parenting in Child Custody and Child Protection Vol. 2: Ethical and Legal Issues for Mental Health Clinicians Working with Court-Involved Families* (pp. 85-130). Singapore: Springer Nature Singapore.
31. Zarei, F., Karimi, M., & Mohammadi, Sh. (2021). Child custody in Islamic jurisprudence and Iranian law. In *The 7th National Conference on Management Studies in Humanities*, Tehran, 1-8. [In Persian]
32. Zohrabzadeh, N., & Asadi Kouhbad, H. (2022). A comparative study of the right of child custody in Iranian law with reference to other countries. In *The 10th International Conference on Humanities, Social Sciences and Lifestyle*, 30-44. [In Persian]
33. Zumbach, J., Brubacher, S. P., Davis, F., De Ruitter, C., Ireland, J. L., McNamara, K., ... & Laajasalo, T. (2022). International perspective on guidelines and policies for child custody and child maltreatment risk evaluations: A preliminary comparative analysis across selected countries in Europe and North America. *Frontiers in psychology*, 13, 900058, 1-22.